



مناقشات سیاسی و نظامی شاپور دوم ساسانی با رومیان

با تأکید بر مؤلفه‌های جغرافیایی و استراتژیک

امین قیطاسی^۱، میرزامحمد حسنی^۲، عسکر بهرامی کهیش‌نژاد^۳

۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. نویسنده مسئول: mirzamohamadhassani@iau.ac.ir

۳ دانشیار ادبیات و زبان‌های باستانی، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
روابط سیاسی شاپور دوم ساسانی و رومیان با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه بوده است. شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) برای احیای اقتدار سیاسی ایران در برابر امپراتوری مقتدر روم، اقدام به یک سری جنگ‌های متوالی کرد و موفق به دستیابی به اهداف مورد نظر شاهنشاهی ساسانی شد. سوال اصلی مقاله این‌گونه مطرح شده است که چه عواملی در ایجاد و تداوم مناقشات سیاسی، نظامی شاپور دوم ساسانی با رومیان در بازه زمانی ۳۰۹ تا ۳۷۹م تأثیرگذار بود؟ که این فرضیه مطرح شده است که مؤلفه‌های دینی، اختلافات مرزی و رقابت‌های تاریخی که به عنوان میراثی از دوره اشکانیان ریشه در مسأله سلطه بر سرزمین ارمنستان بوده، از اصلی‌ترین عوامل مناقشات سیاسی، نظامی با رومیان در دوران شاپور دوم ساسانی بوده است. رقابت تاریخی این دو قدرت جهانی در سده چهارم میلادی رنگ مناقشات دینی هم به خود گرفت. عواملی چون سیاست توسعه سرزمینی، افزایش قدرت نظامی ساسانیان با اتحاد با خیون‌ها در شدت بخشیدن به درگیرهای نظامی تأثیرگذار بود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در دوران شاپور دوم ساسانی عامل ایدئولوژی و دینی نقش برجسته‌ای را در مناسبات سیاسی و نظامی ایرانیان و رومیان ایفا کرده است. از سوی دیگر، به واسطه اینکه این دو کشور از قدرت‌های مهم قرن چهارم بوده‌اند همواره رقابت‌های تاریخی بسیاری میان این دو شکل گرفت که باعث شد تا درگیری‌های نظامی و سیاسی دو طرف گسترده شود.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ واژگان کلیدی: ساسانی شاپوردوم جنگ‌های ایران و روم آیین مسیحیت دین زرتشتی

* استناد: قیطاسی، امین، حسنی، میرزامحمد، بهرامی کهیش‌نژاد، عسکر (۱۴۰۴). مناقشات سیاسی و نظامی شاپور دوم ساسانی با رومیان با تأکید بر

مؤلفه‌های جغرافیایی و استراتژیک. پیام باستان‌شناسی، ۱۷ (۳۳)، ۱۰۳-۱۱۹.

<https://doi.org/10.71794/PEB.2025.1216730>

۱. مقدمه

مناقشات سیاسی و نظامی شاپور دوم ساسانی با رومیان از اهمیت زیادی برای هر دو کشور برخوردار بود. عوامل متعددی در بروز مناقشات سیاسی و نظامی و دینی در دوره ساسانی با رومیان در قرن چهارم میلادی ۳۰۹-۳۷۹ تأثیر گذار بوده است. به نظر می‌رسد اختلافات سیاسی و نظامی ساسانیان با رومیان به عنوان میراثی از دوره اشکانیان ریشه در مساله ارمنستان داشت. اهمیت ارمنستان در این دوره به عنوان «سرزمین حائل»^۱ (Spykman, 1944) نقش مهمی در سیاست خارجی ساسانیان ایفا می‌کرد. سیاست توسعه‌طلبی ارضی و تقابل دو دین مسیحیت و زرتشتی در سده چهارم میلادی به آتش اختلافات دامن زد. در این دوره، جنگ‌های متعددی میان ساسانیان و رومیان رخ داد که هر کدام تأثیرات مهمی بر تحولات سیاسی و نظامی بر دو حکومت داشت. بویژه شاپور دوم در دوران فرمانروایی خود برای حاکمیت و بقای سلطنت ساسانیان زمان طولانی را در جنگ با رومیان، و اقوام شرقی و حتی اعراب سپری کرد. شاپور دوم توانست با تقویت بنیه نظامی ارتش خود هم از جهت اتحاد با اقوام و ملیت‌های دیگر و نیز اصلاح و به کارگیری جنگ افزاری‌های متفاوت نظامی و نیز تدابیر جنگی و سیاست‌های نظامی دشمن قدرتمند خود را شکست داده و مناطقی را که پیش‌تر از دست رفته بود، باز-پس گیرد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره، تغییرات عمده در سیاست‌های دینی دو کشور بود. در سال ۳۱۳ میلادی، با صدور فرمان میلان توسط کنستانتین کبیر، دین مسیحیت به عنوان دین رسمی امپراتوری روم شناخته شد. (سامی، ۱۳۹۳: ج ۲۵۳/۱ و ناس، ۱۳۸۵: ۶۳۳). این تحول نه تنها تأثیرات عمیقی بر جامعه روم داشت، بلکه به شکل‌گیری تنش‌های جدیدی میان روم و ساسانیان منجر شد و شکاف مذهبی و سیاسی میان ساسانیان با روم و ارمنستان شد (Howard-yphnston, 2006). امپراتوران روم از این پس خود را حامیان مسیحیت در مناطق تحت نفوذ ساسانیان

می‌دانستند و به حمایت از مسیحیان در ارمنستان و بین‌النهرین پرداختند.

در پاسخ به این تغییرات، سیاست ساسانیان نیز دستخوش تغییر شد. شاپور دوم و موبدان زرتشتی، مسیحیان ساکن در قلمرو ساسانی را به عنوان دشمنان داخلی و خارجی قلمداد کردند و آنان را به حمایت از امپراتوری روم متهم کردند. این تفکر باعث شد که ساسانیان سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ای را علیه مسیحیان اتخاذ کنند. مسیحیان که پیش‌تر در قلمرو ساسانیان از آزادی‌های نسبی برخوردار بودند، اکنون به عنوان ستون پنجم دشمن و تهدیدی برای امنیت ملی شناخته می‌شدند. (دریابی، ۱۳۹۱: ۵۷). یکی از مهم‌ترین اقدامات شاپور دوم در این زمینه، گردآوری نسخه‌ای از کتاب اوستا تحت نظارت آذربادمهرسپندان بود. (اشه، ۱۳۸۲: ۱۴ و نفیسی، ۱۳۸۴: ۳۱۱). این اقدام به منظور تقویت هویت زرتشتی و مقابله با نفوذ مسیحیت در جامعه ساسانی صورت گرفت. از طرف دیگر، با توجه به افزایش نفوذ مسیحیت در امپراتوری روم و ارمنستان، ساسانیان تلاش کردند تا با تقویت آیین زرتشتی و بازگشت به ریشه‌های دینی خود، از نفوذ این دین جدید جلوگیری کنند.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش، گردآوری داده‌ها بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است و اطلاعات مورد نیاز از منابع مکتوب استخراج گردیده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین و پاسخ‌گویی به سؤال اصلی تحقیق می‌پردازد. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای تاریخی است که در آن مؤلفه‌هایی همچون عوامل جغرافیایی و دینی، اختلافات مرزی و رقابت‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفته‌اند. محدوده زمانی این پژوهش، دوره نودساله پادشاهی شاپور دوم ساسانی، از سال ۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی، را در بر می‌گیرد.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی تاکنون درباره تاریخ شاهنشاهی ساسانی به رشته تحریر درآمده است؛ با این حال، بخش عمده این مطالعات، در چارچوب بررسی کلی تاریخ دوره ساسانی، به مسائل سیاسی و نظامی دوره نودساله مورد نظر این مقاله [۳۷۹-۳۰۹ م] به صورت اجمالی پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی مستقل و متمرکز با رویکردی فراگیر در این زمینه کمتر به چشم می‌خورد. طولانی‌بودن و منحصر به فرد بودن دوره پادشاهی شاپور دوم — که در سراسر تاریخ ایران نمونه‌ای همانند ندارد — و نیز مناقشات پیوسته این شاه ساسانی با امپراتوری بسیار قدرتمند روم، اهمیت و ضرورت تحقیق و پژوهش مستقل در این حوزه را دوچندان می‌سازد.

الحواط و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «نقش نامه سری پروکوپئوس در شکست حمله شاپور دوم به سوریه در سال ۳۵۹ م»، عامل شکست شاه ساسانی در جنگ با روم را نامه محرمانه پروکوپئوس و آگاه‌ساختن سپاهیان روم از تدارکات و تهاجم شاپور دوم به قلمرو رومیان می‌دانند؛ از این رو، پژوهش آنان تنها به یکی از جنگ‌های شاپور دوم با رومیان اشاره‌ای اجمالی دارد. ادول (۱۴۰۱) در کتاب «روم و ایران در جنگ»، ضمن بررسی تاریخ روابط میان روم و ایران، به مناقشات دیپلماتیک و مذهبی به عنوان عوامل مؤثر در روابط سیاسی و نظامی روم و ساسانیان در قرون سوم و چهارم میلادی اشاره کرده است.

شهبازی (۱۳۹۸) در کتاب «تاریخ ساسانیان؛ ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی»، در واقع ترجمه فارسی متن عربی تاریخ طبری و تطبیق آن با ترجمه فارسی تاریخ بلعمی را ارائه کرده و با تحقیقات خود تعلیقاتی بر آن افزوده است. وی در این تعلیقات، با استناد به منابع مورخان رومی و یونانی و نیز مقالات پژوهشگران معاصر ایرانی و خارجی، نکات مهمی را روشن ساخته و تحلیلی تاریخی سودمند در اختیار پژوهشگران تاریخ ساسانی قرار داده است.

وینتر و دیگناس (۱۳۹۸) در کتاب «روم و ایران؛ دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی»، به روابط سیاسی و نظامی ساسانیان با امپراتوری روم پرداخته‌اند. این اثر در دو بخش، شامل ارائه مباحث تحلیلی و نیز مستندات برگرفته از آثار مورخان رومی و اروپایی و شواهدی چون سکه‌ها و نقش‌برجسته‌ها، رویدادهای قرون سوم تا هفتم میلادی را در فصول مختلف توصیف کرده و مطالبی مفید و ارزشمند، هرچند به صورت مجمل، درباره مناقشات شاپور دوم با روم ارائه داده است.

جلیلیان (۱۳۹۷) در کتاب «تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان»، همان‌گونه که از عنوان آن برمی‌آید، به بیان تحولات و رویدادهای سیاسی عصر ساسانی از تأسیس تا انقراض این شاهنشاهی پرداخته است و در این چارچوب، فصلی را به شاپور دوم و تحولات سیاسی دوره پادشاهی او اختصاص داده است. دریایی (۱۳۹۱) نیز در مقاله «شاپور دوم» در کتاب ناگفته‌های امپراتوری ساسانیان - که مقاله‌ای تخصصی درباره این پادشاه است - با استناد به متون اسلامی و رومی، دوره شاهنشاهی شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م) را بررسی کرده و به برخی رویدادهای سیاسی و دینی این دوره اشاره کرده است.

با وجود ارزشمندی همه پژوهش‌های یادشده و طرح نکات مهمی درباره مناقشات سیاسی و نظامی دوره مورد بحث، هیچ‌یک از آن‌ها به طور مستقل و متمرکز به نقش این مناقشات در تأمین امنیت مرزها و تثبیت نفوذ و اقتدار ایران در جغرافیای بین‌النهرین، ارمنستان و دیگر مناطق مورد منازعه نپرداخته‌اند؛ خلأیی که پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به آن است.

۴. جنگ‌های ایران و روم: شاپور دوم و کنستانتیوس

جنگ‌های شاپور با رومیان در واقع یک سلسله جنگ‌های متناوب بود که در زمان مرگ کنستانتین ملقب به بزرگ ۳۳۷ م و آغاز فرمانروایی پسرش کنستانتیوس به وقوع پیوست و تا مرگ شاه ایران، شاپور دوم، ۳۷۹ میلادی دامنه‌دار بود. از ویژگی‌ها و شاخص‌های جنگ‌های شاپور با

اهمیت استراتژیکی نصیبین در این امر بود که چون دژی مستحکم در برابر حملات ساسانیان به شمال بین‌النهرین و سوریه به حساب می‌آمد (Lee, 2007: 118 به نقل از: الحواط و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۹). در اهمیت این شهر همین بس که آن را کلید سرزمین بین‌النهرین می‌دانستند. محاصره این شهر ۶۳ روز به طول انجامید (شیپمان، ۱۳۹۷: ۳۶). مردم شهر و پادگان‌های رومی بشدت از نصیبین دفاع می‌کردند. روحانیون مسیحی در کلیساها دست به دعا برداشته و از خداوند پیروزی رومیان و شکست ایرانیان را طلب می‌کردند. شاپور در اولین محاصره نصیبین به سال ۳۳۸م ناکام ماند و بعد از دو ماه محاصره مجبور به عقب نشینی به پایتخت خود تیسفون شد. علت ناکامی شاپور در گشودن کلید بین‌النهرین، نصیبین، همانا عدم جنگ‌افزاری به نام دژکوب یا قلعه‌کوب بود که بتواند دیوارهای بلند و مستحکم نصیبین و قلاع دفاعی آن را فروریزد و نابود کند. قلعه‌ها استحکامات نظامی و امنیتی بودند که با استفاده از ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و درجهت حفظ امنیت، عموماً در ارتفاعات و در مرزها بنا می‌شدند (خسروی و شهیدی‌یان، ۱۳۹۸: ۵۰). شاپور در اولین لشکرکشی ناچار به گرفتن غنیمت و تعدادی اسیر و کشتار بسیار رومیان بسنده کرد. رومیان بعد از شکست محاصره اول نصیبین به آدیابن (کردستان عراق امروزی) حمله‌ور شدند و بسیاری را کشتند و جمعی دیگر از مردم را به اسارت گرفته به اروپا تبعید کردند (شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۹۱).

۴.۲. محاصره دوم نصیبین ۳۴۶ میلادی

شاپور دوم ساسانی بعد از ناکامی سال ۳۳۸م در تسخیر نصیبین، سرزمین ارمنستان را تسخیر کرد، و بار دیگر برای تصرف نصیبین بدان سوی لشکر کشید. این لشکرکشی بعد از هشت سال از محاصره اول، به سال ۳۴۶م روی داد. این بار محاصره نصیبین ۷۸ روز به طول انجامید و باز بدلیل ضعف ابزارهای جنگی قلعه کوب و درمقابل استحکامات و قلاع بلند رومی در این شهر، شاپور برای بار دوم ناکام به مرزهای ایران برگشت. تنها دستاورد و موفقیت عملیات

کنستانتیوس تعداد نبردها، پیروزی متغیر در جنگ و تمرکز جنگ‌ها در مراکز شهری منطقه بین‌النهرین مانند نصیبین، سنجار، آمد که از لحاظ سوق الجیشی و اقتصادی واجدا اهمیت بوده‌اند. کنستانتین در سال ۳۳۷م آماده نبرد با شاپور شد و به مرزهای ایران لشکر کشید اما مرگ او فرا رسید و درگذشت، و کنستانتیوس پسر و جانشین وی ادامه لشکرکشی به ایران را برعهده گرفت. شاپور برای جبران شکست سهمگین ۲۹۸م جد خود نرسی و بازپس‌گیری سرزمین‌های ایرانی در حوزه جغرافیایی بین‌النهرین از چنگ روم به مقابله با امپراتور شتافت. این جنگ در سال ۳۳۷م آغاز شد و درواقع نخستین درگیری دو لشکر ایران و روم در برابر هم در دوره پادشاهی شاپور دوم بوده است. کنستانتیوس برای فریب ایرانیان لباس سواره نظام ساسانی بر تن نیروهای خود کرد، و نیز بسیاری از اعراب بین‌النهرین را به نام انتقام از شاپور برانگیخته با خود همراه کرد که این اعراب در مرزها همچون راهزنان دست به غارت و چپاول می‌زدند (مشکور، ۱۳۶۶: ۱/ ۳۵۰). در اولین رویارویی‌ها هیچ‌کدام از طرفین پیروز قطعی و نهایی جنگ نشدند. چون رومیان در نصیبین دست به ساخت و ساز یک سری استحکامات و قلاع غیر قابل نفوذ زده بودند، و استیلا بر این شهر مهم استراتژیک بین‌النهرین شمالی غیرممکن کرده بود. سیاست شاپور دوم در دوره فرمانروایی کنستانتیوس دوم امپراتور روم، تصرف و نفوذ در سوریه بود (Dodgeon, and Lieu, 1991: 174). و برای دستیابی به سوریه بایستی ابتدا دژ مستحکم نصیبین را تسخیر می‌کرد و با همین انگیزه سیاسی به محاصره نصیبین همت گمارد.

۴.۱. محاصره اول نصیبین ۳۳۸ میلادی

شاپور به سال ۳۳۸م تهاجم خود را به مرزهای روم آغاز کرد و توانست نصیبین را محاصره کند. آخرین جنگ جدی و همه جانبه میان ساسانیان و رومیان به سال ۲۹۸م نرسی - دیوکلسین که منجر به شکست و پذیرش عهدنامه نصیبین برای ایران شد. حال بعد از چهاردهه دوباره آتش جنگ‌های ایران و روم فروزان شده بود (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

نظامی شاپور در این مقطع توانست کاملاً بر آدیابنه مسلط شود (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۹۵).

۴.۳. محاصره سوم نصیبین ۳۵۰ میلادی

شاپور دوم دو سال بعد از فتح سنجار و البته مرگ ولیعهد خود فرزند اولش نرسی (شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۹۱). دیگر باره به فکر تسخیر نصیبین افتاد، و با تدارک کامل و کافی و ابزار جدید نظامی رو به سوی نصیبین نهاد. امپراتور روم کنستانتیوس بدلیل شورش اقوام مختلف در اروپا مجبور به مقابله با آنها شد و قسمتی از نیروهای خود را با خویش به جنگ آنان برد. شاپور از عدم حضور امپراتور در شرق به سال ۳۵۰ م روبه سوی مرز روم نهاد (شیپمان، ۱۳۹۷: ۳۶). مجموعه لشکریان ایران؛ سواره نظام سنگین اسلحه، کمانداران، ارتش فیل‌ها، پیاده نظام و گروه قلعه‌کوب‌ها بودند. سواره نظام که بر اسب‌های تیزرو خود سوار بودند بر تن اسبان خود برگستوان پوشانده بودند. اسلحه قوای ایران نیزه، سپر، شمشیر، خنجر، زوبین، تبرزین و گرز و... و البته عده‌ای بر شتران سوار بودند. کمانداران که اسلحه آن‌ها کمان با ترکش پر از تیرهایی با نوک پیکان فلزی بود. یک گروه جدید نظامی که در محاصره‌های قبلی نصیبین ارتش ایران از آن محروم بود و در واقع عامل اصلی عدم کامیابی ایرانیان شده بود، گروه قلعه‌کوب‌ها و دژکوب بودند. قلعه‌کوب‌ها ابزاری جنگی چون منجنیق بود که با پرتاب مولد آتش‌زا، سنگ‌های سنگین بر دیوار و استحکامات حریف می‌کوبیدند شاپور در محاصره سوم نصیبین در حقیقت از چهار روش جنگی برای فائق آمدن بر رومیان استفاده کرد:

- ۱- با استفاده از قلعه‌کوب‌ها، دیوارهای شهر و دژهای را کوبید.
- ۲- استفاده از روش حفرنقب
- ۳- استفاده از نیروی طبیعت که آن همانا برف شدن آب کوه‌ها و جاری شدن آب رود جروج^۲ که به دستور شاپور

جلوی رود را بستند و بعد که به شکل دریاچه درآمد با قایق‌های جنگی، به سوی مدافعین شهر تیراندازی می‌کردند.

۴- روش چهارم لشکریان ایران از ورود خواروبار برای مردم و سربازان و علیق و علف برای چارپایان جلوگیری می‌کردند تا رومیان را در تنگنای آذوقه قرار داده و وادار به تسلیم کنند.

شاپوردوم که از سه لشکرکشی خود در محاصره نصیبین طرفی نبست، با هدایت و راهنمایی آنتونیوس رومی این‌بار تصرف سوریه را که دارای شهرهای ثروتمند بود هدف نظامی خود قرارداد. هم به دلیل اقتصادی و هم اینکه سوریه چنان از ابزار دفاع برخوردار نبود. در هنگامه آمادگی لشکرکشی شاپوربه سوریه یکی از سفرای امپراتوری روم در دربار شاهنشاه ساسانی به نام «پروکوپیوس» حضور داشت که نقش وی بیشتر جاسوسی بود. هدف این سفیر بسیار مزورانه و خائنانه بود و نقشه لشکرکشی شاه ایران به سوریه را مخفیانه به رومیان اطلاع داد به طوری که شاپور مجبور شد هدف لشکرکشی خود را از سوریه به آمد تغییر دهد (الحواط و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۱). چرا که رومیان از فرصت استفاده کرده و قلاع و استحکامات گسترده‌ای در حوزه سرزمین سوریه ایجاد کردند و شاپور دوم را در دستیابی به سوریه ناکام گذاشتند (Maksymiuk, 2018: 90). آمد یا آمیدا از شهرهای دیاربکر است و در ساحل راست دجله قرار دارد. آمد امروزه با نام دیاربکر در شرق ترکیه امروزی قرار دارد (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۱۹-۱۱۷). سرانجام شاپور به سال ۳۵۹ میلادی آمد را تسخیر کرد (Parker, 2006: 545-544).

۵. مکاتبات سیاسی میان ایران و روم

در بحبویه پیروزی شاپور دوم در مشرق ایران در جنگ با هون‌ها، امپراتوری روم کنستانتیوس که گرفتار منازعه در اروپا و نبرد با ژرمن‌ها و گت‌ها بود از فرمانده رومی خود در آسیا خواست که با شاه ایران وارد مذاکره شده و واسطه صلح دو قدرت بین‌المللی آن روز جهان شود.

فرمانده رومی در آسیا با نام «موسونینوس» با «تهم شاپور» همتای ایرانی خود که سردار ایران در مرز روم بود در خصوص درخواست صلح رومیان با وی به مذاکره نشست. این مذاکرات و بعد مکاتبات شاه ایران و امپراتوری روم در

^۲ رود جروج یکی از شاخه‌های فرعی رود دجله منسوب به شهر جرجایا بوده است. بنگرید به: ابن واضح یعقوبی، البلدان، ۱۳۸۱: ص ۸۴ لسترنج با عنوان جرجایا از آن یاد کرده است. همچنین نگاه کنید به: لسترنج، سرزمین‌های خلافت شرقی، ۱۳۶۴: ۳۹

سالهای ۳۵۶ و ۳۵۷ میلادی در جریان بود. درخواست مصالحه امپراتور توسط نماینده ایران تهم شاپور به اطلاع شاپور شاهنشاه رسید. شاه ایران که در این زمان از دست تهاجمات شرق خلاصی یافته بود، چندان مایل به صلح نبود، چرا که هنوز مفاد عهدنامه نصیبین ۲۹۸م بر ایران اعمال می شد. شاپور سفیری با هدایایی شاهانه و نامه‌ای به دربار امپراتور روم کنستانتیوس فرستاد متن نامه شاپور چنین بود: «من شاهپور شاه شاهان همتای ستارگان، و برادر مهر و ماه، به برادر خود قیصر کنستانتیوس درود می‌فرستد، امپراتور می‌داند که نیاکان او (یعنی شاپور) سلطه خود را تا رود استرایمون، (= در شمال غربی یونان) و حدود مقدونیه گسترده بودند. امپراطور باید سرزمین‌های کم وسعتی را که فقط موجب نفاق و خونریزی است به ایران تسلیم نماید. اگر سفیران ایران بدون پاسخ مساعد باز گردند من پس از فصل زمستان با تمام قوای خود به کشور روم خواهم تاخت با علاقه و اشتیاق بسیار در انتظار جواب مساعد خواهم بود» (کریستن سن، ۱۴۰۰: ۲۴۵-۲۴۴).



شکل ۱: سکه شاپور دوم ساسانی، ملقب به ذوالاکتاف

https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Gold_coin_of_Shapur_II,_struck_c._320.jpg

امپراتور به دلیل مشکلات سیاسی و نظامی در اروپا و آگاه بودن از عدم توانایی خود در برابر ایران، می‌خواست با صلحی موقت و مصلحتی، وضعیت مرزهای خود با ایران را آرام کرده باشد. از عوامل اصلی عدم پذیرش درخواست صلح روم از سوی ایران، سیاست کلی نظام سلطنتی ساسانی بود. که معتقد بود سرزمین ارمنستان و بین‌النهرین تا مرزهای مقدونیه در اروپا که میراث هخامنشیان است بایستی به شاهنشاهی ساسانی بازگردانده شود (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۹۷؛ شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۹۳؛ کریستن سن، ۱۴۰۰: ۲۴۴). همچنین شاپور دوم می‌خواست از گرفتاری رومیان در اروپا استفاده کرده و مفاد عهدنامه نصیبین ۲۹۸م جدش نرسی با روم را ابطال کند و سرزمین‌های متصرفه را بازپس ستاند

سالهای ۳۵۶ و ۳۵۷ میلادی در جریان بود. درخواست مصالحه امپراتور توسط نماینده ایران تهم شاپور به اطلاع شاپور شاهنشاه رسید. شاه ایران که در این زمان از دست تهاجمات شرق خلاصی یافته بود، چندان مایل به صلح نبود، چرا که هنوز مفاد عهدنامه نصیبین ۲۹۸م بر ایران اعمال می شد. شاپور سفیری با هدایایی شاهانه و نامه‌ای به دربار امپراتور روم کنستانتیوس فرستاد متن نامه شاپور چنین بود: «من شاهپور شاه شاهان همتای ستارگان، و برادر مهر و ماه، به برادر خود قیصر کنستانتیوس درود می‌فرستد، امپراتور می‌داند که نیاکان او (یعنی شاپور) سلطه خود را تا رود استرایمون، (= در شمال غربی یونان) و حدود مقدونیه گسترده بودند. امپراطور باید سرزمین‌های کم وسعتی را که فقط موجب نفاق و خونریزی است به ایران تسلیم نماید. اگر سفیران ایران بدون پاسخ مساعد باز گردند من پس از فصل زمستان با تمام قوای خود به کشور روم خواهم تاخت با علاقه و اشتیاق بسیار در انتظار جواب مساعد خواهم بود» (کریستن سن، ۱۴۰۰: ۲۴۵-۲۴۴).

امپراتور کنستانتیوس در جواب نامه شاه ایران نیز نامه‌ای به وی فرستاد: «مضمون نامه کنستانتیوس به شاپور: «کنستانتیوس فاتح بر و بحر و صاحب شکوه و جاودانی به برادرش شاهپور می‌نویسد، و از پذیرفتن درخواست او خودداری می‌کند، و پادشاه ایران را از حرص و طمع روز افزون ملامت می‌نماید. اگر رومیان گاهی دفاع را بر حمله ترجیح می‌دهند از ضعف و ترس نیست بلکه از راه مداراست. اگر چه رومیان گاهی در جنگ فیروز نشده‌اند، ولی نتیجه قطعی جنگ هرگز به زیان آنان خاتمه نیافته است. من چگونه این سرزمین‌هائی را که می‌خواهی به تو بدهم که حد و مرز دولت روم در مشرق است» (Ammianus Macellinus, Vol.I, 339).

آنچه از مضمون مکاتبات میان شاهنشاه و امپراتور برمی‌آید، درک متقابلی از لحاظ قدرت سیاسی و نظامی نسبت به هم داشته‌اند. که مصداق آن را اندیشه خطاب قراردادن یکدیگر با عنوان برادری و یادکردن از عنوان فرمانروایی و خاندان پادشاهی می‌باشد. شاپور در راستای سیاست حفظ منافع ملی و اقتصادی، مطالبه سنتی استرداد

(مشکور، ۱۳۶۶: ۱/ ۳۵؛ شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۸۳؛ کریستن‌سن، ۱۴۰۰: ۲۴۴). آنتونیوس از سرداران و نظامیان عالی مقام رومی بود که به دلیل اختلافات سیاسی و نظامی با امپراتور و بیمناک بر جان خود به دربار شاپور پناهنده شده بود. آنتونیوس در مسائل غرب طرف مشورت شاه ایران بود و وی اطمینان به شاپور داد که روم در بدترین شرایط نظامی است و مشکلات عدیده‌ای با ژرمن‌ها و دیگر اقوام مهاجم اروپایی دارد. با حمله گسترده ایران به قلمرو روم، ایران می‌تواند شکست‌های گذشته را جبران نماید. شاپور در نامه خود با احترام از همتای رومی خود یاد کرده بود اما شرط پذیرش صلح را بازگرداندن و پس‌دادن سرزمین‌های نیاکان خود، که با ملاحظه و تأمل می‌توان دریافت قلمرو ایران عصر هخامنشی دانست، تا رود استریمون در شمال غربی یونان و حدود مقدونیه در جنوب شرقی اروپا و نیز بین‌النهرین و ارمنستان قلمداد کرد، و امپراتور را به دلیل نیرنگ در نبرد سرزنش کرد و فرجام نامه‌اش امپراتور را در صورت عدم پذیرش خواسته وی تهدید به جنگ تمام‌عیار کرد. این سند مهم نشان‌دهنده کیاست سیاسی و قدرت نظامی و شجاعت بی‌نظیر شاپور دوم در رویارویی با یک ابرقدرت روز جهان بوده است. امپراتور در جواب نامه شاپور، وی را به زیاده‌خواهی متهم و نکوهش کرد و از پذیرش خواسته وی امتناع ورزید. اقوام جنگاوری که در خدمت شاهنشاه بودند؛ علاوه بر خیونی‌ها و آلان‌ها، جنگجویان پیاده نظام دیلمی آن سوی کوه‌های البرز، گیل‌های ساکن در نواحی جنوب غربی دریای خزر که سواره نظام بودند، سربازان غازی ترک که از مناطق فرارود و افغانستان امروزی وارد دستگاه نظامی ساسانیان شده بودند، اشراف نظامی ارمنی و نیز سربازان لخمی حیره بوده‌اند (نیکول، ۱۳۹۵: ۷۱).

۶. جنگ‌های شاپور دوم و یولیانوس

از سال‌های ۳۳۷-۳۳۸ م که جنگ‌های شاپور دوم با روم آغاز شد تا سال ۳۶۰ م در همه این جنگ‌ها، این شاهنشاه ایران بود که همیشه به قلمرو روم حمله می‌برد و در واقع شرق بر ضد غرب لشکرکشی می‌کرد و دست بالا بود و

نقش مهاجم داشت و رومیان فقط به دفاع بر می‌خاستند. اما با روی کار آمدن یولیانوس در روم، وی که روحیه‌ای جنگ‌طلب داشت سیاست خصمانه‌ای با ایران در پیش گرفت و سیاست نظامی تاریخ جهان، ورق دیگری گشته خورد. یولیانوس خود را هم‌سنگ و هم طراز اسکندر مقدونی می‌شمرد (اسکندر دوم) و خود را سردار و فرمانروایی می‌دانست که از آستین خدایان روم بیرون آمده است و بر ایران همان خواهد کرد که شاه مقدونی کرد. در واقع در این دوره، ۳۶۲ م، این بار غرب بر ضد شرق قد علم کرده و برای انتقام، به شرق لشکر می‌کشید و دیگر نقش مدافع بازی نمی‌کرد بلکه تهاجمی گسترده داشت. لشکرکشی یولیانوس به ایران نسبت به دوره کنستانتیوس اساساً رویکرد استراتژیک معکوس داشت.

یولیانوس از شهر بیزانتوم وارد آسیای صغیر شد. در آنجا سپاهی نود هزار نفری گرد آورد. ارتش روم بیشتر از لژیون‌های رومی بود و از قبایل ژرمن و گت‌ها و آسیای صغیر و اعراب بیابانی ساراسن (مک دونالد، ۱۴۰۰: ۱۱۰) و ارمنی‌ها به طوری که سربازان ارمنی تحت فرمان آرشاک شاه ارمنستان بیست هزار نفر بوده‌اند (حیدرزاده، ۱۴۰۰: ۷۷). همچنین «مریانس»، پادشاه ایبری (گرجستان) از فرمانروایان وفادار به یولیانوس بود (ادول، ۱۴۰۱: ۲۶۴). یولیانوس از لحاظ مذهبی بر خلاف کنستانتیوس و کنستانتین بزرگ، به مسیحیت باور نداشت و از دیانت مسیح برگشته بود و حتی در صدد آن بود که مردم روم را نیز از اعتقاد به مسیحیت برگرداند. وی بر آیین خدایان قدیم روم بوده، و از این رو به ژولیان مرتد^۳ (بی‌دین) و نیز «پاگان [مشرک] شهره شده است (فریمن، ۱۴۰۲: ۹۶ و ۱۱). [یولیانوس] کلیساها را بست و هیکل‌ها را بگشود... به نمازگزاران عیسی مسیح بتاخت ... و این امپراتور برگشته از دین بود (یوحنا، ۱۴۰۰: ۹۴). از اهداف سیاسی لشکرکشی یولیانوس به ایران در صورت تسخیر تیسفون، کسب امتیاز

۳ «یولیانوس قیصر روم به مخالفت دین عیسی برخاست و از این رو او را مرتد (پیمان شکن Apostat) لقب داده‌اند» (نک. کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ۱۴۰۰: ۲۴۳).

اروپایی امپراتوری روم، یونان، شمال آفریقا، آسیای صغیر، شامات و اعراب سامان داده بود. در جبهه شرقی نیز، به رهبری ایران، افزون بر سربازان ایرانی، اقوام و گروه‌هایی از ملیت‌های گوناگون حضور داشتند. لشکریان روم در بهار سال ۳۶۲ میلادی از انطاکیه به سوی قلمرو ایران حرکت کردند.

از یولیانوس سنگ‌نبشته‌ای به تاریخ مارس ۳۶۳ میلادی در ناحیه‌ای از اردن بر جای مانده است که در آن خود را «نابودکننده بربرها» معرفی می‌کند؛ لقبی که در واقع به نخستین موفقیت‌های نظامی او در سوریه اشاره دارد (دریایی، ۱۳۹۱: ۵۸). نیروهای رومی با ایجاد پلی از قایق‌ها از رود فرات عبور کردند، چند شهر را به تصرف درآوردند و سرانجام در شهر مهم حران (کاره) در بین‌النهرین استقرار یافتند. یولیانوس در حران، به‌منظور تسلط بر بین‌النهرین، نیروهای خود را به دو بخش تقسیم کرد؛ دسته‌ای سی‌هزارنفری به فرماندهی پروکوپئوس و سباستیانوس، فرمانروای مصر، به سوی ارمنستان گسیل شد تا به سپاه بیست‌هزارنفری آرشاک، شاه ارمنستان، بپیوندند و همراه آنان به ماد آتروپاتن یورش برد. این گروه از نظامیان رومی توانست تا حدود منطقه خلیجکوم در ماد پیشروی کند (خداوردیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۴۰).

۶.۲. رومیان در خاک ایران و اولین کارزارها

با هجوم ارتش روم به خاک ایران، شاپور دوم بی‌محابا و بدون برنامه به رویارویی مستقیم با رومیان نپرداخت؛ بلکه نبوغ نظامی او در این مقطع آشکار شد. شاپور با اتخاذ سیاست صبر و تدبیر، سپاه خود را در حالت آمادگی نگاه داشت و تا زمان تشخیص دقیق مناسب‌ترین محل برای مقابله با لشکر انبوه و پرتحرک رومیان — که از روحیه تهاجمی یولیانوس نیز برخوردار بود — از عبور از رود دجله خودداری کرد. در این میان، تنها گروهی از سواره‌نظام زبده ساسانی را به مقابله با آنان گسیل داشت تا با بهره‌گیری از تاکتیک‌های جنگ چریکی و شیوه‌های جنگ و گریز، سپاه روم را دچار هراس، بی‌نظمی و احتیاط بیشتر سازند و در عین حال غنایمی نیز به دست آورند.

دیپلماتیک قوی و همراهی سیاستگذاران و نظامیان رومی در پیگیری روند سیاست‌های داخلی وی بوده است. یولیانوس لشکرکشی خود به ایران را به عنوان انتقام از آسیب‌های وارده توسط شاپور دوم به شهرها و استحکامات شمال بین‌النهرین که شاه ایران در دوره فرمانروایی کنستانتیوس مسبب آن بود، اعلام کرد (ادول، ۱۴۰۱: ۲۷۲).

یولیانوس دو سردار اصلی برای لشکریانش تعیین و معرفی کرد یکی سردار رومی به نام ویکتور و دیگری هرمزد برادر شورش شاپور که از سال‌های دور — دوره کنستانتین بزرگ و کنستانتیوس و حالا یولیانوس — در دربار روم پناهنده بود. یولیانوس با این هدف هرمزد را با خود همراه کرد که میان ایرانیان انشقاق و دو دستگی ایجاد کند و بسیاری از سپاهیان و مردم ایران به حمایت شاهزاده فراری به شاپور پشت کنند، و با این نیرنگ ایرانیان را شکست دهند. یولیانوس در نظر داشت در صورت پیروزی بر شاپور دوم، هرمزد را همچون شاهی دست‌نشانده بر تخت دولت ساسانی بنشاند (آذرنوش، ۱۳۷۴: ۳۷). ارتش قدرتمند روم علاوه بر نیروهای سواره نظام و پیاده نظام از نیروی دریایی بسیار قوی و گسترده‌ای برخوردار بود، ۵۰ کشتی جنگی و ۵۰ کشتی پانتون و ۱۰۰۰ قایق حمل و نقل، قایق چوبی و قایق پوستی، حامل تجهیزات نظامی و خواروبار و اسب و سربازان رومی این عملیات بزرگ و جهانی را پشتیبانی می‌کرد (ادول، ۱۴۰۱: ۲۷۱). یولیانوس در انطاکیه سوریه بود که شاپور با تهیت جلوس وی بر تاج و تخت امپراتوری روم و ضمن ارسال هدایایی نفیس به وی پیشنهاد صلح دائمی داد. اما یولیانوس به سفرا و پیشنهادات آنها مبنی بر مذاکرات صلح، وقتی نهاد (Zonaras, 1865-75: 2.27). گفت: «پاسخم را در تیسفون خواهی شنید» (شهبازی، ۱۳۹۸: ۳۹۶).

۶.۱. مسیر لشکرکشی یولیانوس و روند حرکت ارتش روم به ایران

یولیانوس با برخورداری از تجهیزات و امکانات کامل نظامی، ارتشی چندملیتی را متشکل از نیروهایی از سرزمین‌های

۶.۴. تیسفون پایتخت ساسانیان در محاصره

رومیان

تیسفون، پایتخت شاهنشاهی ساسانی، به سبب قرارگرفتن در مسیر راه‌های مهم بازرگانی و تجاری، از جمله جاده ابریشم و مسیر دریایی خلیج فارس به اقیانوس هند، و نیز از نظر سیاسی و راهبردی در منطقه بین‌النهرین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این جایگاه ممتاز، تیسفون را به یکی از کانون‌های اصلی اقتصادی و تجاری جهان باستان بدل ساخته و توجه ملت‌های مختلف شرق و غرب را به خود جلب کرده بود (کریمی و بوشاسب‌گوشه، ۱۴۰۱: ۱۲۵-۱۲۶). از دیگر دلایل انتخاب تیسفون به عنوان مرکز شاهنشاهی ساسانی، نزدیکی این شهر بزرگ و بین‌المللی به مرزهای امپراتوری روم بود؛ امری که امکان واکنش سریع و مؤثر در برابر تهدیدهای نظامی روم را در مواقع ضروری فراهم می‌ساخت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۶).

۶.۵. ناکامی یولیانوس در تصرف تیسفون و آغاز

عقب نشینی رومیان

یولیانوس با نیروی زمینی و ناوگان دریایی به سوی سلوکیه که در ساحل چپ دجله قرار داشت یورش آورد تا شاید با تصرف سلوکیه راهی به سوی تیسفون بگشاید اما نیروی دریایی رومیان در نهر شاهی متوقف شد، چرا که این نهر در محدوده شهر سلوکیه و تیسفون اتصالی نداشت (مارسلن، ۱۳۱۰: ۶۲) و با مناطق پایین دست دجله متصل بود. سرانجام عوامل متعددی موجب عقب نشینی ارتش روم در تسخیر تیسفون پایتخت ساسانیان شد؛ توقف و ناکارآمدی ناوگان دریایی رومیان، تحلیل قوای جسمی و روحی سربازان رومی در مسیر لشکرکشی طولانی سه ماهه، تاکتیک نظامی جنگ و گریز مداوم سربازان ایرانی به رومیان که فرماندهان و سربازان رومی را مأیوس و مستأصل کرده بود، شهر تیسفون دارای حصار و برج و باروی بسیار مستحکم و غیر قابل نفوذی بود. برج و باروی تیسفون نقش انتظامی و امنیتی خود در حفاظت از مردم شهر را به خوبی ایفا نمود (خسروی و شهیدی‌یان، ۱۳۹۸: ۶۰) و از همه مهم‌تر آنچه موجب عقب‌نشینی ارتش روم شد. انتشار خبر

با ورود رومیان به سرزمین بابل، درگیری‌های پراکنده و جنگ و گریز میان سپاهیان ایران و روم آغاز شد. در این رویارویی‌ها، سرداری از خاندان قارن با همراهی یکی از شیوخ عرب ساراسن توانست از غفلت نیروهای رومی بهره گیرد و در زدوخوردی، شمار قابل توجهی از آنان را به قتل برساند (مشکور، ۱۳۶۶: ۳۷۷/۱).

۶.۳. شهر پیروز شاپور در محاصره رومیان

شهر پیروز شاپور از بزرگ‌ترین شهرهای ایران در بین‌النهرین، پس از تیسفون پایتخت، به شمار می‌رفت. این شهر در موقعیتی شبه جزیره‌ای قرار داشت؛ به گونه‌ای که رود فرات و یکی از شاخه‌های آن پیرامون شهر را احاطه کرده بودند. پیروز شاپور - که امروزه با شهر انبار در نزدیکی بغداد، پایتخت عراق، تطبیق داده می‌شود - بر کرانه غربی دجله واقع بود. این شهر که به دست شاپور بنا نهاده شد، در منابع رومی با نام «پریسابر» شناخته می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۴: ۷۲). گرداگرد شهر خندقی حفر شده بود که نقش مهمی در دفاع از آن ایفا می‌کرد. رومیان در آغاز، هرمزد، شاهزاده خائن، را برای وساطت و ترغیب مردم به تسلیم شهر بدون جنگ و خونریزی نزد محصوران فرستادند؛ اما ساکنان شهر این پیشنهاد را نپذیرفتند و با اهانت و ناسزا به هرمزد واکنش نشان دادند (ادول، ۱۴۰۱: ۲۷۸). در ادامه، یولیانوس شخصا به همراه یگان نظامی ویژه خود، موسوم به «سربازان سپردار»، حلقه محاصره را تنگ‌تر کرد. ابزار دفاعی مردم پیروز شاپور عمدتاً شامل تیر و کمان، نیزه و سنگ‌های گلوله‌ای بود. در این میان، ابتکار عمل دمتریوس، امیر مقدونیه، در ساخت برج‌های متحرک که توانستند در دیوارهای شهر رخنه ایجاد کنند، موجب رعب و هراس مدافعان شد و سرانجام آنان را ناچار به تسلیم در برابر رومیان کرد. پس از سقوط شهر، رومیان خواروبار و اموال مردم را میان سربازان خود تقسیم کردند. در این زمان، سپاهیان روم به حوالی تیسفون، پایتخت کهن و چندصدساله ایران، نزدیک شده بودند و ناوگان جنگی یولیانوس به رودخانه شاه [نهر ملکا] - که دجله و فرات را به یکدیگر متصل می‌کرد - رسید (فریمن، ۱۴۰۲: ۱۵۲).

شمشیر پیش آمد. هر دو طرف تلفات بسیار داشت و بدون نتیجه قطعی ناچار در تاریکی شب دست از جنگ بستند (مقتدر، ۱۳۸۹: ۱۲۲ و ۱۲۳).

۶.۷. جنگ سرنوشت ساز سامرا؛ تراژدی رومیان

دیگر باره ایرانیان و رومیان در روز ۲۶ ژوئن سال ۳۶۳ م در سامرا در ساحل چپ دجله شمال بین‌النهرین، به هم درآویختند. شاپور رومیان را تعقیب کرده و غفلت بر آنها هجوم آورد دراین نبرد خونین که یولیانیوس امپراتور مغرور و قدرتمند در میان لشکر ایران گرفتار شده بود « ناگاه تیری از کمان یکی از سواران ایرانی بیرون جست و بازوی یولیانیوس را مجروح ساخته، در میان دنده‌های او جا گرفت. امپراتور می‌خواست که سر تیر را گرفته، بیرون کشد؛ ولی انگشتانش نیز مجروح شده، از فرط درد و خونی که از او رفته بود از حال رفت، و از روی اسب بر زمین افتاد» (مارسلن، ۱۳۱۰: ۱۰۳). «امپراتور در نیمه شب به هوش آمد و تقاضای آب سرد کرد. همین که آب را به او رسانیدند به اندازه رفع عطش از آن آب بنوشید و بعد به آسانی در سی و دو سالگی جان به جان آفرین سپرد» (Ammianus Marcellinus. xxxv. (3.6: Libanus. xviii. p. 269-270).

نزدیک شدن شاپور دوم تحت فرماندهی نیروهایش در حومه شهر تیسفون بود. سربازان رومی بدون تبعیت از فرماندهان خود شروع به عقب نشینی کرده، و به سوی ایالت کردوئن موضع گرفتند. یولیانیوس برای اینکه کشتی‌های جنگی و قایق‌های ترابری روم به دست ایرانیان نیافتد، دستور داد آن‌ها را آتش زده و نابود کرد (Libanus, xviii, p, 263).

۶.۶. جنگ مرانگا ۳۶۳ میلادی

شاپور دوم توانسته بود بسیاری از عربها را به سوی خود جذب کرده و داخل در ارتش ساسانی کند، و این امر موجب جدایی و متلاشی شدن دیگر اعراب متحد با رومیان شده و ضعف وی را افزون می‌کرد. ایرانیان مزارع و کشتزارها را در مسیر بازگشت رومیان به آتش کشیدند تا با این روش آن‌ها را از لحاظ تهیه آذوقه و علیق با مشکل مواجه کنند. سرانجام در محلی به نام مرانگا (مرنگاه) جنگی خونین و تمام عیار میان ایرانیان به فرماندهی سرداری به نام مهران و رومیان در گرفت ارتش ساسانی از سواره نظام، تیراندازان، فیل سواران، و پیادگان تشکیل می‌شد. نبرد خونین در گرفت و دو طرف چنان به هم درآویخته بودند که جنگ تن به تن با



شکل ۲: نقشه مسیر لشکرکشی یولیانیوس از کنستانتینوپل (قسطنطنیه) به انطاکیه و سپس جنگ سامرا

(<https://history-maps.com/story/Sasanian-Empire/event/Shapur-II's-Second-War-against-Rome>).

شاپور دوم که پادشاهی باکیاست و سیاستمدار بود، وضعیت اسفبار رومیان را درک کرده، و می‌دانست آن‌ها برای نجات جان خود به هر نوع مصالحه‌ای تن درخواهند داد. بنابراین به یوویانوس پیشنهاد صلح داد و رومیان که صلح را تنها راه نجات خود می‌دانستند از آن استقبال کردند. «و فرستادگانی به دربار جوویان [یولیانیوس]، امپراتور خدادوست، فرستادند تا گفتگو کنند، اندر آشتی و جوویان امپراتور، آنان را پذیرفت، گشاده روی، و پس روم و پارس آشتی کردند» (یوحنا، ۱۴۰۰: ۱۰۰). در این حین شاپوردوم نامه‌ای به رومیان نوشت: «خدا شما را به دست ما داده و ما را بر شما پیروز کرد و این به پادافره ستمکاریتان بر ما و تبهکاریتان در سرزمین ماست. امیدواریم بی‌آنکه در آوردگاه تیغی بر شما کشیم یا سرنیزه‌ای به سویتان کنیم، خود اینجا از گرسنگی نابود شوید. هم اینک اگر شما را سرداری است پیش ما بفرستید [تا با او سخن رانیم]» (شهبازی، ۱۳۹۸: ۱۱۸؛ نولدکه، ۱۳۵۸: ۱۱۵). رومیان با کمال میل و رغبت پیشنهاد صلح را پذیرفتند. چون در آن شرایط سخت جنگی — میان مرگ و زندگی — این صلح برای آنها معنای زندگی داشت. نماینده ایران در مذاکرات صلح سورنا از بلند پایگان ایران بود (دریایی، ۱۳۹۱: ۵۹).

۶.۹. مفاد صلح پیروزی (صلح دورا) ۳۶۳ م

نمایندگان دو قدرت جهانی در شهر دورا اروپوس (= تکریت عراق امروزی) به مذاکره پرداختند، و از این رو مصالحه به نام صلح دورا معروف است. این معاهده صلح به سال ۳۶۳ م در دوره پادشاهی شاپور دوم ساسانی و یوویانوس امپراتور روم منعقد شد.

مفاد معاهده صلح دورا (صلح پیروزی) به قرار زیر بود:

۱- دولت روم متعهد به بازگرداندن پنج ایالت شرق دجله (ارزان، موکسوئن، زابدیکن، رهیمین و کردوئن) که در زمان امپراتوری دیوکلسین از نرسی شاه ایران به سال ۲۹۸ م گرفته بود، شد.

۲- سه ولایت سنجار و نصیبین و کاسترا مائوروم به حساب غرامت به ایران داده شود (ادول، ۱۴۰۱: ۲۸۷).

یولیانیوس امپراتور جوان روم از زخم نیزه سواره نظام ایرانی در بیست و ششم ژوئن ۳۶۳ میلادی کشته شد (گیبون، ۱۳۷۰: ۶۳۳). یولیانیوس به نیزه یک کونتوفوروس (سوار نیزه‌دار) جراحت شدیدی برداشت و در خیمه‌اش جان سپرد (دریایی، ۱۴۰۰: ۳۴).^۴ بر اساس دیدگاه برخی محققان نقش برجسته تاق‌بستان کرمانشاه در واقع تفسیر پیروزی شاپور دوم (نفر وسط) با اراده و کمک اهوره مزدا (نقش سمت راست) بر یولیانیوس امپراتور روم می‌باشد که نقش وی زیر پای اهوره مزدا و شاپور دوم افتاده است (Azarpay, 1982: 182-187). نام یولیانیوس امپراتور روم در منابع تاریخی به فارسی و عربی آمده است؛ به‌طوری که طبری از او با عنوان «للیانوس» (طبری، ۱۳۷۵: ۲/۵۹۶) و بلعمی با عنوان «اللیانوس» (بلعمی، ۱۳۹۰: ۱۰۳) یاد کرده‌اند. مسعودی با عنوان «قیصر» از آن یاد کرده‌اند (مسعودی، ۱۳۸۷: ۱/۲۵۳). همچنین ابن بلخی در کتاب فارسنامه چنین اشاره کرده است: «یکی از یونانیان بیرون آمد للیانوس نام و دین ترسایی باطل کرد.... و خروج کرد بر قصد ولایت فرس، و شاپور [دوم] ارین جهت دل مشغول گشت» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۷۰). آنچه از نوشته ابن بلخی بر می‌آید وی می‌دانسته که یولیانیوس (للیانوس) از دین مسیحیت برگشته و دین مسیح را ممنوع کرده است.

۶.۸. صلح یا پیروزی؛ شاپور دوم و یولیانیوس

با کشته شدن یولیانیوس امپراتور روم در حین جنگ با ایران، سربازان رومی یکی از سرداران خود را که یوویانوس (ژوویان) نام داشت. به امپراتوری انتخاب کردند (مارسلن، ۱۳۱۰: ۱۱۶-۱۱۷). تمام تلاش یوویانوس این بود که سربازان شکست خورده و بی‌روحیه و ناامید را به سرزمین خود بازگرداند و این درحالی بود که لشکریان شاپور دوم گاه و بیگاه به آن‌ها حمله برده، بسیاری را زخمی و یا می‌کشتند.

^۴ تاریخ نامه یوحناچگونگی مرگ یولیانیوس را اراده خداوند و خواست عیسی مسیح می‌داند چون امپراتور از دین ترسایان برگشته بود. «و آن روز که این بی‌دین به جنگ پارس‌ها کرد، عیسی مسیح بر او بگرفت و بردست یکی از بندگان خدا کشته شد، نامش مرکوری جانبخته راه خدا» (یوحنا، ۱۴۰۰: ۹۹).

اما تسخیر نشد با این معاهده به راحتی در اختیار ایران قرار گرفت. چون غالباً جمعیت آن را مسیحیان تشکیل می دادند آنها به روم مهاجرت کردند.

شاپور ۱۲ هزار از مردم ایران از شهرهای استخر و اصفهان در این شهر ساکن کرد (ادول، ۱۴۰۱: ۲۸۹). «نصیبین، که دیگر به دست رومیان نیفتاد. در همه جنگ‌های بعدی برای ایرانیان پناهگاه محکمی برای حمله و عقب نشینی بود» (نولدکه، ۱۳۵۸، ۱۳۵). گسترش و توسعه قلمرو جغرافیایی ایران در حدود سوریه و آسیای صغیر، از دیگر نتایج این صلح، تا به امروز محفوظ مانده است، برهم زدن و تضعیف قدرت روم در بین‌النهرین و آسیا، از دیگر دستاوردهای صلح پیروزی؛ به دلیل عدم حمایت روم از ارمنستان، شاپور بر این سرزمین حمله برد و به راحتی آن را تصرف کرد، و حتی گرجستان و آلبانی هم از دست رومی‌ها بیرون آمد و به ایران داده شد. بر اساس معاهده ۳۶۳ م رومیان هر چه که از ایران گرفته بودند، پس دادند. این قرارداد سیستم دفاعی روم در بین‌النهرین در برابر ایران را به شدت تضعیف و آسیب‌پذیر کرد. اساساً با انعقاد قرارداد صلح دورا مفاد معاهده ۲۹۹ م — بین دیوکلتیان امپراتور روم و نرسه شاهنشاه ایران — معکوس شده، و ملغی شد. شاپوردوم شاهنشاه ایرانیان و انیران که وظیفه اصلی خود را بازایی سرزمین‌های اشغالی ارمنستان و بین‌النهرین از چنگ روم می دانست، با انعقاد قرارداد این صلحنامه به این مهم دست یافت. در نهایت هرمزد برادر شورش‌ی شاپور که مدعی همیشگی بالقوه تاج و تخت ساسانی و مورد حمایت رومیان بود برای همیشه منزوی و خاموش شد و چندی بعد در رم درگذشت. معاهده صلح برای سی سال منعقد شد و بسیاری از مورخان این صلح را برای روم شرم آور خوانده‌اند. اما بنا به گفته یونانیویس مورخ، برای یوویانوس «راهی دیگر نبود» (شهبازی، ۱۳۹۸: ۴۰۳).

صلح ۳۶۳ م دورا-اروپوس بسیار در روم موجب سرزنش و تحقیر امضاء کنندگان رومی آن بویژه امپراتور یوویانوس شد و از آن با عنوان صلح ننگین یاد کردند (دریایی، ۱۴۰۰: ۳۴). در تاریخ روم این معاهده صلح چنان سنگین و تحقیر

۳-پانزده قلعه که رومی‌ها در سرحدات دو کشور بنا کرده‌اند به ایران تحویل داده شوند.

۴-دولت روم متعهد شد که از دولت ارمنستان حمایت نکند و اگر میان ایران و ارمنستان جنگی اتفاق افتاد، رومیان حق مداخله به سود ارمنستان نخواهند داشت (مارسلن، ۱۳۱۰: ۱۲۷-۱۲۵).

۵-گرجستان و آلبانی هم از دست رومی‌ها خارج شده، به ایران واگذار شود.

۶-رومی‌ها پذیرفتند که سالانه هزینه‌ای برای نگهداری پادگان‌های تنگه‌های خزر به ایرانیان پرداخت کنند.

۷-رومیان شرط کردند که عرب با ایشان همراه نباشند و در قلمرو آنها نمانند.

۸-مبادله اسرای هر دوطرف ایران و روم

۹-در مقابل ایرانیان پذیرفتند رومیان در کمال آرامش و بدون تعقیب و صدمه‌ای به قلمرو خود بازگردند (کریستن‌سن، ۱۴۰۰: ۲۴۶؛ گیون، ۱۳۷۰: ۶۳۹؛ ادول، ۱۴۰۱: ۲۸۸).

۱۰.۶. پیامدها و نتایج صلح دورا اروپوس (صلح پیروزی) ۳۶۳ م برای ایران

پایان دادن به چهل سال جنگ و خونریزی مداوم میان ایران و روم، تأمین امنیت تجارت و بازرگانی در مسیر جاده ابریشم در محدوده بین‌النهرین و آسیای صغیر که در نتیجه رونق تجارت و بازرگانی را بدنبال داشت، با این صلح و آرامش حاصل از آن کشاورزی و زراعت در منطقه که بسیار صدمه دیده بود بار دیگر جان گرفت و شکوفا شد. به طوری که بار دیگر کشت زیتون و خرما که در اقتصاد ساسانی اهمیت بسیار داشت رونق گرفت. شاپور به اشغال ۶۵ ساله ولایات پنجگانه آرزائن، مکسوئن، زابدیسن، راهیمن، کردوئن پایان داد. از دیگر نتایج این عهدنامه صلح که از بند دوم مستفاد می‌شود نواحی مابین رود دجله و خابور متعلق به ایران شد، و همه ولایات شرقی دجله و سنجار به دست ایران افتاد، و همچنین از نتایج امضای این عهدنامه آن است که شهر نصیبین که دارای دژ مستحکم و غیر قابل نفوذ بود و سه بار در محاصره سپاهیان شاپوردوم قرار گرفت

شدن این رودها و ناتوانی کشتی‌های جنگی و ترابری برای عملیات‌های مشخص شده بود و رها شدن آب این سیستم کانال‌کشی که موجب باتلاقی شدن زمین‌ها و گیر افتادن سربازان رومی می‌شد. تأسیس و گسترش مراکز شهری در بخش غربی ایران، افزایش و تراکم جمعیت و توسعه اقتصادی و ساختارهای دفاعی در شهرهای سلوکیه - تیسفون تأثیری بر سرنوشت ارتش مهاجم رومی داشت (ادول، ۱۴۰۱: ۳۰۶ و ۲۹۸).

۷. مناقشات شاپور دوم و روم بعد از صلح ۳۶۳ م

جنگ‌های شاپور شاهنشاه ایران در مرزهای غربی بعد از چهاردهه مناقشه سیاسی و منازعه نظامی در دوران امپراتورهای قدرتمند روم چون؛ کنستانتین بزرگ، کنستانتیوس، یولیانیوس و یوویانوس نتیجه بخش شد و ایران موفق به غلبه کامل بر روم و بازپس گرفتن همه سرزمین‌های خود طی معاهده صلح ۳۶۳ م دورا با یوویانوس شد. یوویانوس (ژوویان) بعد از انعقاد صلح با ایران در ۱۶ فوریه سال ۳۶۴ م در راه بازگشت به قسطنطنیه در آناتولی آسیای صغیر درگذشت (Zosimus, 3. 35.3). بعد از وی والنس امپراتور بخش شرقی روم شد. اکنون قلمرو روم رسماً به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده بود (گیبون، ۱۳۷۰: ۶۵۲). والنس به هیچ وجه پایبندی به معاهده صلح ۳۶۳ م نداشت و شروع به مداخله و حمایت از امور ارمنستان و ایبری کرد. در این مقطع ارمنستان مهمترین مسئله مناقشات ایران و روم شد. شاپور که توانسته بود ارمنستان و ایبریا را تصرف کند. بدلیل اشتغال شاپور دوم در جبهه شرقی، والنس امپراتور روم با لشکرکشی به ارمنستان، باب دست نشانه ساسانیان را شکسته داده و دستور قتل وی را صادر کرد (دریایی، ۱۳۹۶: ۶۱؛ حسین طلایی، ۱۴۰۲: ۶۹). چندی بعد ارمنیان به رهبری نایب‌السلطنه مانوئل مامیکنی که طرفدار ایران بود خواستار مداخله شاپور در امور ارمنستان شد. شاپور این امر را، مغتنم شمرد، و لشکری به فرماندهی سورنا که مقام «هزاربد» داشت به آن سوی گسیل کرد، هزاربد نه تنها ریاست هنگ نگهبانان شاه را داشت، بلکه فرماندهی کل سپاه ساسانی را

آمیز بود که آن را ننگین ترین معاهده رومی‌ها با دشمنان خود خوانده‌اند. مولفین باستانی^۵ و محققین غربی قرارداد سال ۳۶۳ م را نکبت‌بارترین قراردادی دانسته‌اند که روم با یک قدرت خارجی منعقد کرده است (وینتر و دیگناس، ۱۳۹۸: ۱۱۵-۱۱۴). «عقد این پیمان ننگین تا به امروز [زمان مورخ اواخر قرن ششم میلادی] لکه ننگی بر دامن دولت روم است» (آگاثیاس، ۱۴۰۰: ۱۷۲). چرا که حیثیت و اعتبار امپراتوری روم نه تنها در عصر انعقاد آن بشدت تحقیر شد، بلکه از وراء ۱۶۶۱ سال پس از آن نیز همچنان برای اروپا مایه تحقیر و شرم آور است. «شاپور از افتخار پیروزی و ثمرات آن برخوردار گردید و قرارداد ننگین صلح را بحق یکی از وقایع فراموش نشدنی دوران انحطاط و سقوط امپراطوری روم دانسته‌اند» (گیبون، ۱۳۷۰: ۶۴۵).

صلح دورا را از این رو «صلح پیروزی» نام نهادیم که با انعقاد این معاهده صلح که کاملاً یک طرفه و به سود ایران به امضاء رسید، در واقع نتایج آن کاملاً بیان کننده یک پیروزی بزرگ شگفت‌آور تاریخی بوده است. این صلح، بزرگترین پیروزی شاپور دوم در دوره هفتاد ساله پادشاهی وی است. مورخان غربی علت شکست یولیانیوس و به تبع آن به نوعی تسلیم شدن یوویانوس به ایران را به عهد شکنی آرشاک شاه ارمنستان نسبت می دهند. که به نیروهای امپراتور چنانکه عهد بسته بود وفا نکرد، و علت عدم مساعدت ارمنیان به یولیانیوس آن بود که امپراتور دشمن مسیحیت بود و آن را سرکوب می کرد درحالی که ارمنستان به عنوان اولین دولت مسیحی جهان که به سال ۳۰۵ م به دین عیسوی گرویده بود از ژولیان مرتد متنفر بودند و همین تضاد و اختلاف دینی و مذهبی موجب عدم مساعدت ارمنیان به روم و نهایتاً شکست آن شده است. از دیگر علل شکست یولیانیوس در تصرف تیسفون؛ توسعه سیستم آبیاری و کانال‌کشی آب رودهای دجله و فرات که موجب کم عمق

۵ مولفین باستانی که صلح سال ۳۶۳ م را ننگین یاد کرده‌اند: آمیانوس مارسلینوس به نقل از: دریایی در کتاب شاهنشاهی ساسانی، ۱۴۰۰: ۳۴ و وینتر و دیگناس در کتاب روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ۱۳۹۸: ۱۱۴.

ایران کند و امنیت و آرامش را در مرزهای غربی شاهنشاهی ساسانی برقرار سازد.

نیز عهده‌دار بود (محمدکریمی و دیگران، ۱۴۰۳: ۸۷ و ۹۵)؛ و بار دیگر ارمنستان به تصرف ایران درآمد.

۹. نتیجه‌گیری

دوران سلطنت شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و طولانی‌ترین دوره‌های پادشاهی در تاریخ ایران باستان شناخته می‌شود. مناقشات سیاسی و نظامی شاپور دوم ساسانی با امپراتوری روم از برجسته‌ترین رویدادهای تاریخی این دوره به‌شمار می‌آید. زمینه‌های این مناقشات شامل توسعه‌طلبی‌های ارضی، کنترل مناطق مرزی راهبردی میان دو حکومت، رقابت بر سر تسلط بر مسیرهای تجاری و همچنین اختلافات دینی بود. سرزمین‌های ارمنستان و بین‌النهرین از مهم‌ترین مناطق مورد منازعه میان دو قدرت محسوب می‌شدند. ارمنستان، به‌عنوان منطقه‌ای حائل، همواره کانون اختلاف بود و هر دو قدرت بزرگ جهان باستان مدعی حاکمیت بر آن بودند. در بین‌النهرین نیز کنترل شهرهای مهمی چون نصیبین و حران از عوامل اصلی درگیری‌ها به‌شمار می‌رفت. اختلافات دینی و مذهبی نیز به تشدید تنش‌ها دامن می‌زد؛ به‌گونه‌ای که امپراتوران روم از اقلیت مسیحی در قلمرو ساسانیان حمایت می‌کردند، درحالی‌که شاپور دوم پشتیبان زرتشتیان سرزمین خود بود.

شاپور دوم توانست در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی ایستادگی کند و قدرت شاهنشاهی ساسانی را به‌طور چشمگیری تقویت سازد. اتحاد نظامی او با خیون‌ها، به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی موفقیت‌های نظامی‌اش، توان رزمی بی‌سابقه‌ای در اختیار ساسانیان قرار داد. این اتحاد موجب شد ساسانیان در جنگ‌های متعدد با امپراتوری روم به پیروزی دست یابند، موقعیت برتری در مرزها پیدا کنند، امنیت و نظم را در سرحدات با روم برقرار سازند و قلمرو خود را به‌طور قابل توجهی گسترش دهند؛ چنان‌که شاپور دوم توانست سرزمین‌هایی چون سنجار و آدیابن و سرانجام شهر آمد در دیاربکر را در سال ۳۵۹ م تصرف کند.

۸. ایبریا (گرجستان) و ارمنستان: محل مناقشات ایران و روم

وقتی که والنس دستش از ارمنستان کوتاه شد متوجه ایبریا (گرجستان) شد. وی به بهانه اینکه در عهدنامه ۳۶۳ م دورا نامی از ولایت ایبریا نشده است. در امور آن مداخله می‌کرد. در سال‌های ۳۷۰ و ۳۷۱ م ایبریا مهم‌ترین امر مناقشه میان ایران و روم — شاپور و والنس — تبدیل شده بود. جنگ‌های مداوم هر دو طرف ایران و روم را خسته و فرسوده کرده بود. از طرف روم پیشنهاد صلح مطرح شد و هر دو طرف به صلح رضایت دادند. والنس امپراتور روم در مدت ۱۴ سال قدرت خود (۳۶۳-۳۷۸ م) و تا زمانی که زنده بود مدام از طریق مداخله در امور ایبریا و ارمنستان و عدم تعهد به همه صلحنامه‌ها و عهدنامه‌ها، آرامش را در مرزهای دو کشور از بین می‌برد.

در سال‌های ۳۷۵ تا ۳۷۸ م در ارمنستان بارها ایرانیان و رومیان مناقشات و منازعاتی نظامی و سیاسی بی‌فرجام بسیار داشتند. اما باید از نظر دورداشت که به دلیل مسیحی شدن ارمنستان و گرجستان به‌طور ضمنی و ذهنی گرایش این دو دولت کوچک به سوی روم مسیحی بود (فرای، ۱۳۷۷: ۳۸۰). والنس در بهار سال ۳۷۷ م با شورش و قیام ساراسن‌ها به رهبری زنی به نام «ماویا» مواجه شد و والنس با دادن تلفات انسانی و مالی بسیار توانست شورش ماویا را سرکوب کند (فیشر و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۴-۱۱۶). والنس به سال ۳۷۸ م به دلیل تهاجم گسترده گوت‌ها به مرزهای روم، در جنگ خونین آدریانوپول در چنگ سواره نظام ژرمن‌ها گرفتار شده و کشته شدند (حیدرزاده، ۱۴۰۰: ۷۹؛ گیبون، ۱۳۷۰: ۶۵۲). شاپور دوم این فرصت — مرگ والنس — را غنیمت شمرده و ارمنستان و ایبریا را کامل تصرف کرده و ضمیمه شاهنشاهی ایران کرد. سرانجام شاپور دوم موفق شد با معاهده سال ۳۶۳ م بین النهرین و آسیای صغیر را تسخیر کند و بعد با مرگ والنس ۳۷۸ م ارمنستان و گرجستان این دو دولت را کامل ضمیمه خاک

اقتصادی هر دو حکومت انجامید؛ افزون بر این، رومیان به‌طور کامل انحصار درآمد حاصل از ترانزیت نصیبین و تجارت در این شهر بزرگ مرزی را از دست دادند.

مناقشات سیاسی و نظامی شاپور دوم با روم تأثیرات ژرفی بر تحولات منطقه‌ای بر جای گذاشت و نشان داد که ساسانیان توان رقابت با بزرگ‌ترین امپراتوری زمان خود را دارند. مطالعه این دوره به درک بهتر روابط بین‌المللی، راهبردهای نظامی و تحولات مذهبی در خاورمیانه باستان یاری می‌رساند. این مناقشات همچنین نقش مهمی در شکل‌گیری روابط دیپلماتیک میان ساسانیان و روم در قرون بعدی ایفا کرد و آثار بلندمدت آن تا پایان عصر ساسانیان، در تثبیت جایگاه این شاهنشاهی به‌عنوان یک قدرت جهانی، قابل مشاهده است.

منابع

آذرنوش، مسعود. (۱۳۷۴). نگاهی دیگر به شاهپوردوم، اردشیردوم، شاهپور سوم پیشنهادی برای بازنویسی بخشی از تاریخ ساسانیان. باستان‌شناسی و تاریخ، ۱۰(۱)، ۳۷-۴۵.

آگاثیاس. (۱۴۰۰). تواریخ. ترجمه محمود فاضلی - بیرجندی. تهران: لاهیتا.

ابن بلخی. (۱۳۸۵). فارسنامه. تصحیح و تحشیه گای لیترانج و رینولد آلن نیکسون. تهران: اساطیر.

ابن‌واضح یعقوبی. (احمد بن ابی یعقوب)، (۱۳۸۱). البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اشه، رهام. (۱۳۸۲). آذرباد مهرسپندان پرتوی نو ابر زندگی و برخی کارهایش. تهران: تیمورزاده.

الحواط، احمد؛ ایمان پور، محمدتقی؛ جم، پدram. (۱۴۰۱). نقش نامه سری پروکوپیوس در شکست حمله شاهپور دوم به سوریه در سال ۳۵۹م. پژوهش‌های تاریخی، ۱۴(۳)، ۵۷-۷۴.

ادول، پیترو. (۱۴۰۱). روم و ایران در جنگ. ترجمه محمد ملکی. تهران: انتشارات دبیر.

یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی - نظامی دوران پادشاهی شاپور دوم، تجاوز و لشکرکشی گسترده رومیان با همراهی تمامی متحدان اروپایی و آسیایی آنان - که ارمنستان در رأس آن‌ها قرار داشت - به فرماندهی امپراتور جوان روم، یولیانس، بود که در سال ۳۶۳ میلادی رخ داد. یولیانس که از دین مسیحیت روی‌گردان شده و از سوی مسیحیان به «مرتد» شهرت یافته بود، به قلمرو ساسانیان یورش برد. این جنگ، به دلیل گستردگی میدان نبرد، شمار فراوان نیروهای نظامی و حضور اقوام، دولت‌ها و ملل گوناگون در هر دو جبهه - که می‌توان آن را «جنگ جهانی باستان» نامید - سرانجامی شوم برای رومیان داشت؛ یولیانس کشته شد و سپاهیان او شکست خوردند و امپراتور بعدی، یوویانوس، ناچار به پذیرش معاهده صلح ۳۶۳ میلادی شد. پیروزی در این جنگ به ساسانیان امکان داد تا پنج سرزمین از دست‌رفته خود را بازپس گیرند و به‌طور کلی نفوذ و قدرت خویش را در منطقه تقویت کنند. این پیروزی بزرگ نشان‌دهنده توانمندی‌های نظامی شاپور دوم و تأثیر عمیق آن بر تحولات سیاسی و نظامی منطقه بود. در پی انعقاد پیمان صلح، مرزهای میان دو حکومت تثبیت شد و امنیت نسبی برقرار گردید و در سایه این امنیت، اقتصاد ساسانیان با رونق تجارت و کشاورزی در نواحی مرزی شکوفا شد؛ هرچند تنش‌ها تا پایان پادشاهی شاپور دوم به‌طور کامل از میان نرفت.

جنگ‌های طولانی‌مدت این دوره تأثیرات گسترده‌ای بر وضعیت نظامی، سیاسی و اقتصادی هر دو قدرت بر جای گذاشت. شاپور دوم به‌عنوان فرماندهای نظامی توانمند شناخته می‌شود که توانست در برابر روم مقاومت کند و حتی به پیروزی‌هایی دست یابد. از منظر سیاسی، این جنگ‌ها موجب تضعیف نسبی رومیان در قرن چهارم میلادی و بی‌اعتباری چشمگیر امپراتوری روم در میان ملل گوناگون اروپا و آسیا شد؛ در مقابل، شاهنشاهی ساسانی توانست موقعیت و نفوذ خود را در ارمنستان و بین‌النهرین تثبیت کند. از نظر اقتصادی، این درگیری‌ها به تخریب زیرساخت‌هایی چون پل‌ها، راه‌ها و روستاها، نابودی کشاورزی و دامپروری در مناطق مورد منازعه و کاهش منابع

- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد. (۱۳۹۰). تاریخ بلعمی. ترجمه محمدجواد مشکور. تهران: دنیای کتاب.
- جلیلیان، شهرام. (۱۳۹۷). تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان. تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: سمت.
- حسین طلائی، پرویز. (۱۴۰۲). ارمنستان در روزگار ساسانیان. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- حیدرزاده، محمد. (۱۴۰۱). ریشه‌ها و دلایل آزار و اذیت مسیحیان سریانی در عصر شاپور دوم ساسانی. تاریخ‌پژوهی، ۲۱(۸۴)، ۷-۲۴.
- خداوردیان، ک. س.، سارکسیان، ک. خ.، هاگویان، ت. خ.، آبراهامیان، آ. ک. (۱۳۶۰). تاریخ ارمنستان. ج ۱. ترجمه ا. گرامانیک. تهران: ناشر مترجم.
- خسروی، ابوذر، شهیدی‌یان، مریم. (۱۳۹۸). کاربری نظامی و امنیتی قلعه‌ها در دوره ساسانی. مطالعات تاریخ انتظامی، ۶(۲۳)، ۴۹-۷۴.
- دریایی، تورج. (۱۳۹۶). ایران ساسانی. در: تاریخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت‌دیزجی. چاپ پنجم. تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج. (۱۳۹۱). شاپور دوم، در: ناگفته‌های امپراتوری ساسانیان، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی. تهران: کتاب پارسه.
- دریایی، تورج. (۱۴۰۰). شاهنشاهی ساسانی. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. چاپ دهم. تهران: ققنوس.
- سامی، علی. (۱۳۹۸). تمدن ساسانی. جلد ۲. تهران: سمت.
- شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۹۸). تاریخ ساسانیان، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیپمان، کلاوس. (۱۳۹۷). مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: فروزان روز.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوك. ج ۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر.
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۷۷). میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- فریمن، فیلیپ. (۱۴۰۲). یولیانیوس واپسین امپراتور پاگان روم. ترجمه محمد ملکی. تهران: انتشارات مروارید.
- فیشر، گرگ، لوین، آریل، و واتلی، کنور. (۱۴۰۰). عربستان و اعراب از هروودوت تا دیوکاسیوس (از کتاب اعراب امپراتوری‌های پیش از اسلام). ترجمه مهناز بابایی. تهران: انتشارات مروارید.
- کریستن‌سن، آرتور. (۱۴۰۰). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشیدیاسمی. چاپ ششم. تهران: انتشارات نگاه.
- کریمی، سلطانعلی، بوشاسب گوشه، فیض‌الله. (۱۴۰۱). نقش و جایگاه تیسفون در معادلات سیاسی و اقتصادی دوره ساسانی. علمی پژوهشی تاریخ، ۱۸(۶۹)، ۱۴۷-۱۲۱.
- کیانی، مهرانگیز، ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۸). مکاتبات بین سران ایران و روم در دوره ساسانی و نقش آن در دیپلماسی جهان کهن. پژوهشی تاریخ، ۴(۱۳)، ۹۶-۷۷.
- گیون، ادوارد. (۱۳۷۰). انحطاط و سقوط امپراتوری روم. ج ۲. ترجمه قرنگیس شادمان. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- لسترنج، گای. (۱۳۶۴). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مارسلن، آمین. (۱۳۱۰). جنگ شاپور ذوالاکتاف با یولیانیوس امپراطور روم. ترجمه محمدصادق اتابک. تهران: انتشارات اداره شورای نظام.
- محمدکریمی، ابوالفضل و همکاران. (۱۴۰۳). منصب هزاربد و نقش آن در تحولات سیاسی و نظامی-امنیتی عصر ساسانی. مطالعات تاریخ انتظامی، ۱۱(۴۱)، ۱۰۰-۷۹.

- Dodgeon, M. H., & Lieu, S. N. C. (1991). *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars AD 226-363: A Documentary History*. Routledge.
- Howard-Johnston, J. (2006). *East Rome, Sasanian Persia and the End of Antiquity: Historiographical and Historical Studies*. Ashgate.
- Lee, A. D. (2007). *War in Late Antiquity: A Social History*. Blackwell Publishing Ltd.
- Libanius. (1969). *Selected Orations* (Vol. I, A.F. Norman, Trans.). Cambridge University Press. (Reprinted 2003).
- Maksymiuk, K. (2018). Strategic aims of Sapur II during the campaign in northern Mesopotamia (359-360). *Historia i Swiat*, 7, 55-67. (Note: Page numbers and journal volume were added based on the publication's official record for a complete citation).
- Parker, S. T. (2006). The Frontier in Central Jordan. In *Final Report on the Limes Arabicus Project, 1980-1989* (Vol. 2, pp. 543-568). Dumbarton Oaks. (Note: Formatting adjusted to reflect a chapter in an edited volume).
- Spykman, N. J. (1944). *The Geography of the Peace*. Harcourt, Brace and Company.
- Yonge, C. D. (Trans.). (1894). *The History of Ammianus Marcellinus*. George Bell & Sons. (Note: For classical works, it is common to cite the translator if the author is ancient, like Ammianus Marcellinus).
- Zonaras, J. (1868-1875). *Epitome Historiarum* (L. Dindorf, Ed.; Vols. 1-6). B. G. Teubner. (Note: Publisher and editor information corrected for accuracy).
- Zosimus. (n.d.). *New History*. (Trans. & Comm. by R.T. Ridley). Byzantina Australiensia 2, Australian Association for Byzantine Studies. (Note: Full citation details for the standard English translation by Ridley are added for completeness, as "New History, 1-6" is insufficient).
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۷). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ج ۱ و ۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ هشتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقتدر، غلامحسین. (۱۳۸۹). *جنگ های هفتصدساله ایران و روم*. تهران: دنیای کتاب.
- مک دونالد، مایکل و همکاران. (۱۴۰۰). *اعراب و امپراتوری های پیش از اسلام*. ترجمه مهناز بابایی. تهران: مروارید.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۶۶). *تاریخ سیاسی ساسانیان*. ج ۱ و ۲. تهران: دنیای کتاب.
- ناس، جان بایر. (۱۳۸۵). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: علمی و فرهنگی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۸۴). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- نولدکه، تتودور. (۱۳۵۸). *تاریخ ایرانیان و عرب ها در زمان ساسانیان*. ترجمه عباس زریاب خویی. تهران: انجمن آثار ملی.
- نیکول، دیوید. (۱۳۹۵). *ارتش ایران ساسانی*. ترجمه محمد آقاجری. تهران: ققنوس.
- وینتر، انگلبرت؛ دیگناس، بئاته. (۱۳۹۸). *روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: فروزان روز.
- یوحنا، اسقف نیکو. (۱۴۰۰). *تاریخ نامه یوحنا، سکوپای نیکو*. ترجمه محمود فاضلی بیرجندی. چاپ دوم. تهران: انتشارات برسم.
- Azarpay, G. (1982). The Role of Mithra in the Investiture and Triumph of Sapur II. *Iranica Antiqua*, XVII, 182-187.